**گزارش نشست الفبای پژوهش و نگارش مقالات علمی**

سومین نشست از سلسله نشست­های علمی گروه زبانشناسی با همکاری معاونت پژوهشی و انجمن علمی گروه با عنوان «الفبای پژوهش و نگارش مقالات علمی» با سخنرانی دکتر نگار داوری اردکانی با حضور جمعی از اساتید و دانشجویان در روز دوشنبه 06/08/1392 در اتاق 215 برگزار شد.

دکتر داوری ضمن مطرح کردن این سؤال که چرا باید مقالات علمی شکل و شیوه­ای خاص داشته باشند اظهار داشتند: قالب و الگوی مقالات علمی، منطق‏­بنیاد است و در واقع چینش قطعات مختلف پژوهش و مقالات علمی و پذیرش این الگو یک اقدام تقلیدی نیست بلکه کاملاً منطق­بنیاد است.

دانشیار گروه زبانشناسی بخش­های مختلف یک پژوهش را به ترتیب شامل انتخاب موضوع پژوهش، پیشنهادنامه (مقدمه)، مرور پیشینه، مبنای نظری، بحث و تحلیل و نتیجه­گیری عنوان کردند که هرچه از ابتدا به سمت انتها پیش می­رویم میزان خلاقیت و نوآوری مؤلف در مقاله بیشتر می­شود و در ادامه به تعریف هر یک از این بخش­ها به شرح ذیل پرداختند.

انتخاب موضوع پژوهش، یکی از زیربنایی­ترین گام­هاست و شرط اول این انتخاب علاقه­مندی است، چراکه بی­علاقگی باعث دشواری پژوهش می­شود. کشف علائق در نظام آموزشی ما اندکی دشوار است و البته که می‏توان با تمهیداتی آن را آسان نمود. این تمهیدات عبارتند از مطالعة عمیق و وسیع و نگاه پرسش‏گر برآمده از تأملات علاقه­مندانه که هرسه­ی این موارد به­هم مربوط هستند. تا مطالعه­ی دقیق نداشته باشیم و علاقه­ای در کار نباشد پرسشی در ذهن شکل نمی­گیرد.

دکتر داوری بی‏توجهی به علائق خود و پیروی از خوشامد افراد و تبعیت از مد علمی زمانه را کار خطایی دانست و تأکید کرد که باید میان دو اصطلاح پژوهش در مرزهای علمی و پژوهش در تبعیت از مد علمی فرق گذاشت. پژوهش در مرزهای دانش مستلزم آگاهی و درک آخرین یافته­های علمی زمان است که به نوعی همان ادامه دادن راه دیگران است که امریست پسندیده اما باید به­دور از تقلید انجام بگیرد چراکه پژوهش مقوله زینتی و صوری نیست.

دکتر داوری ضمن اشاره به معنای کلمه­ی تحقیق که عربی است و از باب تفعیل به معنای مطالبة حقیقت است، اظهار داشت: پژوهش، جستجوی پاسخ پرسشی معتبر در جهت کشف حقیقتی پنهان و پوشیده است. پژوهش یک درونداد و یک برونداد دارد. درونداد آن مستندات، مشاهدات، کتاب­ها و ... هستند که پژوهشگر به عنوان یک پردازشگر، مواد خام را پردازش می­کند و برونداد می­دهد. پژوهشگر واقعی حتی به بدیهیات هم شک می‏کند. یک پژوهشگر هیچ­گاه گزاره­های کلیشه­ای را نمی­پذیرد چراکه او باید حقیقتی را آشکار کند. به­عنوان مثال عبارت کلیشه­ای «زبان فارسی جنسیت­زده است » مورد پذیرش یک پژوهشگر نیست. او برای ارزیابی این گزاره، پیکره­ای از زبان فارسی را تهیه می­کند و داده­های زبانی را بررسی کرده و براساس آنها نتیجه‏گیری می‏نماید. بنابراین به فکر تأیید فرضیات خود نیست.

بخش دیگر پژوهش، مقدمه یا صورت اصلاح شده پیشنهادنامه پژوهش است که بدون مرور پیشینه معنایی ندارد و می‏توان علاوه بر عنوان مقدمه، عنوان مؤخره هم به آن داد، چراکه آخرین فصلی از پایان­نامه است که نوشته می­شود و تعاریف واژه­های کلیدی در آن بازنویسی می­شود. طرح کلی و اولیة پژوهش همان پیشنهادنامه است که شامل موارد زیر می­شود: بیان روشن و شفاف مسئلة پژوهش، تبیین دقیق پرسش­های پژوهش، بیان فرضیه­های پژوهش، بیان محدودیت­های پژوهش، بیان اجمالی روش و ابزارهای پژوهش، تشخیص و تعریف واژه­های کلیدی. فرضیه همان پاسخ احتمالی به پرسشی است که در ذهن پژوهشگر وجود دارد و بنابراین باید تعداد فرضیات با تعداد پرسش­های پژوهش متناظر باشد. محدودیت­های پژوهش با مشکلات پژوهش متفاوت است. مسائلی همچون کمبود منابع علمی در حیطه­ی مشکلات پژوهشی قرار می­گیرد و ذکر آن در پایان­نامه صحیح نمی­باشد.

دکتر داوری با اشاره به جمله­ای از دکتر حق­شناس با این مضمون که «روشنفکر حق گله­کردن ندارد، چرا که خودش مسئول کاستی‏هاست. دانشیار گروه زبانشناسی استفاده از القاب، تعارفات و گله­گذاری را در یک گزارش علمی جایز نداست و محدودیت­های پژوهش را برش­های علمی کار که ممکن است زمانی، مکانی و نظری باشد معرفی کرد. مثلاً پژوهش در برنامه­ریزی زبان فارسی مستلزم مشخص کردن، باید محدوده­ی زمانی و مکانی و نظریه­ی مورد استفاده است البته به نظر ایشان لزومی ندارد که همه­ی این محدودیت­ها در عنوان پژوهش ذکر شود.

دکتر داوری ضمن اشاره­ی مجدد به منطق­بنیاد بودن چارچوب‏های گفتمان نوشتاری پژوهش، علت قرارگرفتن مرورپیشینه در ابتدای پژوهش را، پیشگیری از به­وجودآمدن دو خطای احتمالی (یکی تکرار حرف پیشینیان و دیگری اظهارنظرهای ؟؟؟، چراکه هیچ بنایی را نمی‏توان بر بنیان هیچ بنا کرد و هیچ متنی کاملاً مستقل از متون پیش و همجوار خود نوشته نمی­شود. بنابراین بخش مرورپیشینه، بخشی بنیادی است که احتمال خطر لغزش را کاهش می‏دهد کوتاهی در مرور تمام عیار پیشینه در بخش­های دیگر پژوهش منعکس می­شود. پس فوائد مرورپیشینه را می­توان موارد زیر ذکر کرد: اشراف بر پژوهش­های پیشین در موضوع مورد نظر، پرهیز از دوباره کاری، توانایی انتخاب موضوع مناسب، توانایی طرح پرسش صحیح و درخور پژوهش، توانایی تبیین درست محدودیت­های پژوهش و اتصال به جریان­های پژوهشی حول و حوش موضوع پژوهش و این مورد آخر همان است که روبینز در کتاب تاریخ زبانشناسی غرب به آن اشاره می ‏کند یعنی «پیوستگی کار غربیان در مقابل انفصال مطالعات شرقیان» که به نظر او دلیلی بر تمرکز بر تاریخ زبانشناسی غرب در کتاب تاریخ زبانشناسی است.

دکتر داوری در ادامه به بیان شیوه­های نگارش مرورپیشینه پرداختند که ممکن است براساس تاریخ از قدیم به جدید یا بر اساس مطالعات ایرانیان در مقابل مطالعات غیر ایرانیان نگاشته شود. او گفت: این بخش به شدت ساختارمند است؛ درباره هر اثر مرور شده نوشتن یک پاراگراف که دربردارنده­ی پرسش پژوهش، روش پژوهش و نتیجه­ی پژوهش است کفایت می­کند.

بخش دیگر یک پژوهش، مبنای نظری است که بهتر است به عنوان فصلی مجزا از مرورپیشینه تدوین شود. این در حالی است ­که مبنای نظری به مرور پیشینه بسیار مرتبط است چراکه از دل مرورپیشینه است که مبانی نظری بیرون می‏آید. مبنای نظری، زیربنای پژوهش، الگوی مشخص­کننده­ی سمت­وسوی پژوهش و نقشه­ی راه است. مبنای نظری می­تواند انتخابی، تلفیقی و یا نظریه­پردازانه باشد. در مقطع کارشناسی ارشد و بعضاً دکتری، مبنای نظری بیشتر پایان­نامه­ها انتخابی (استفاده از یک مبنای نظری) و یا حداکثر تلفیقی (تلفیقی از چند مبنای نظری) هستند. نظریه­پردازی، دیریاب‏تر است و تنها پژوهشگران باسابقه می­توانند به این مرحله دست یابند. در مبنای نظری تلفیقی و نظرپردازان نوآوری، انسجام و انطباق ضروری است و پژوهشگر یک پذیرنده­ی صرف نیست. باید دانست که پذیرندگی صددرصد ضد پژوهش و تفکر است. نتیجه بحث و تحلیل داده­ها می­تواند مبنای نظری را به چالش کشیده و آن را اصلاح نماید؛ چراکه در این فصل بده بستان داده و نظریه اتفاق می‏افتد و اصولاً تکمیل نظریه‏ها و یا نقض آنها از همین طریق انجام می‏شود؛ اما درهرحال باید از شتابزدگی و پرمدعایی اجتناب کرد. تلفیق نظریه­های مختلف باید با مهارت صورت بگیرد و در مبنای نظری تلفیقی نمی‏توان نظریه‏های مورد نظر را جداجدا شرح داد و این مهم نیازمند نوآوری پژوهشگر است.

دکتر داوری در ادامه در بخش بحث و تحلیل داده­ها به انواع پژوهش گفت: پژوهش از جنبه­ی غایت و کارایی به سه دسته­ی بنیادی، توسعه­ای و کاربردی تقسیم می­شوند. پژوهش‏های بنیادی بیشتر به نظریه­پردازی می­انجامد و با بنیادهای دانش و پژوهش سروکار دارد. پژوهش‏های توسعه­ای بر تحلیل وضعیت موجود و ارائه­ی راهکاری برای ارتقاء آن و رسیدن به وضعیت مطلوب تمرکز دارد و پژوهش‏های کاربردی محصول محور برای کاربردهای واقعی جامعه هستند.

پژوهش از منظر روش گردآوری اطلاعات می­تواند تجربی و یا نظری/ مروری(مرور مطالعات پیشین) یا داده‏بنیاد (پژوهش بر اساس داده­ی خاص مثلاً پیکره­های زبانی)/ موردی (درباب یک مورد خاص) یا میدانی (جامعه­ی آماری وسیع) باشد. ذکر این نکته لازم است که روش گردآوری اطلاعات با ابزار گردآوری اطلاعات متفاوت است. پرسشنامه، مصاحبه، مشاهده از ابزار گردآوری اطلاعات به حساب می­آیند. جنس داده­ها نیز گاهی دو لفظ پژوهش کتابخانه­ای یا پیکره بنیاد را به وجود می‏آورد. پژوهش از نظر ماهیت ممکن است کمی، کیفی، توصیفی، اکتشافی، تحلیلی( تحلیل محتوا، مقایسه‏ای، تطبیقی و ...)، باشند. از نظر برش زمانی پژوهش‏ها را می‏توان به سه طبقه گذشته­نگر، همزمانی، و آینده­نگر تقسیم‏بندی کرد. این انواع قابل جمع هستند و به طور معمول مانع یکدیگر نیستند. مثلاً یک پژوهش بنیادی می­تواند تجربی نیز باشد. در بخش بحث و تحلیل داده­ها، توانایی بحث و تحلیل دقیق، در گرو تبیین درست مبنای نظری و انتخاب روش مناسب پژوهش است.

دکتر داوری در پایان به توضیح بخش نتیجه­گیری پرداختند و اظهار داشتند : بخش نتیجه­گیری، بخش مهمی است ولی حرف تازه­ای نسبت به چهار بخش قبل از خود ندارد چراکه همه­ی یافته­ها در بخش تحلیل داده­ها ذکر می­شود. در این بخش نتیجه‏گیری خوب است بهتر است موارد زیر رعایت شود: پاسخ روشن و شفاف پرسش­های پژوهش (در قالبی طبقه­بندی شده) به­دور از کلی­گویی، به­دور از تکرار مکررات و مشهورات، گنجاندن یافته­های مروری، نظری و تجربی و اجتناب از احاله محتوایی پژوهش به ذکر ذکر اعداد و ارقام و جداول.

در پایان این نشست جلسه پرسش و پاسخ برگزار شد.

تهیه­کننده : اعظم سنجابی